



### زنان شجاع ایران در بطن خیزش بزرگ اخیر

در جریان خیزش بزرگ مردم مبارز ایران بر علیه رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی که شروع آن خرداد ماه امسال بود، بار دیگر شجاعت و بی باکی زنان ایران به مثابه یک واقعیت برجسته و انکار ناپذیر در مقابل چشم جهانیان قرار گرفته است. در تأیید این امر آنچه اخیراً از یک جوان مبارز که خود شاهد عینی در مبارزات اخیر می باشد را از زبان خودش نقل می کنیم.

"حضور دخترها در تظاهرات و درگیری های خیابانی و بخصوص شهامت آنها خیلی چشمگیر بود. نمیدانی چقدر دخترها پرجرات هستند. یک روز در خیابان جمهوری بودیم. سر یک چهارراه مانده بودیم. طرف مقابل ما یک دسته ۳۰-۴۰ تایی پاسدار و چماقدار بودند که وحشیانه به ما حمله میکردند و افراد صفوف جلویی ما را با قنداق تفنگ و چماق میزدند. یک جنگ خیابانی کامل بود. چند دقیقه ای ما پیش می رفتیم و مزدور های رژیم را عقب می راندیم و بعد آنها حمله میکردند و ما فرار میکردیم، و بعد دوباره حمله میکردیم. جنگ واقعی بود. تا این که ناگهان از خیابان های اطراف دسته دسته مردم به داخل "جمهوری" سرازیر شدند. ظاهراً در میدان انقلاب درگیری شدید بود و مردم به داخل خیابان جمهوری فرار میکردند و به ما می پیوستند. بالاخره بعد از مدتی تعداد ما خیلی زیاد شد و مرتب هم زیادتر می شدیم. ناگهان تو صف پاسدارها ولوله شد. آنها گیج و هول شده بودند و نمی دانستند چکار کنند. عقب عقب می رفتند و بر و بر به ما نگاه میکردند. دست از حمله کشیده بودند و از فرمانده شان چاره جویی میکردند. فرمانده شان هم معلوم بود گیج شده، ترسیده بودند.

ما هم داشتیم آنها را نگاه میکردیم. می خواستیم ببینیم چه خبره. یک مرتبه جنگ متوقف شد. ما به آنها نگاه میکردیم و آنها به ما. هیچ کدام جلو نمی آمدیم.

ما خیلی خسته بودیم. از صبح توی خیابان دویده بودیم و سنگ به مزدورها پرت کرده بودیم و از آن ها چماق و قنداق تفنگ خورده بودیم. هرروز همین طور بود. وقتی شب میرسیدیم خانه تازه می فهمیدیم چقدر بدنمان درد میکند. شبها مادرم روی کبودیها و ورم ها را پماد و دوا میزد تا بتونم بخوابم. خلاصه، وقتی دیدیم دیگه حمله نمی کنند، ما هم دیگه حمله نکردیم و فقط آنها را هو کردیم. جواب هو کردن های ما را هم ندادند و همانطور ایستاده بودند. نه ما میدانستیم چکار کنیم، نه آنها. یک عده از ما خنده اشان گرفته بود. من هم خنده ام گرفت، هم از حرکات مضحک و گیج بازی پاسدارها و هم از خودمان که انتظار این وضع را نداشتیم. در این حالت من سنگهایی که دستم بود انداختم و برگشتم که برم خانه. خیلی خسته بودم و داشت غروب میشد.

برگشتم که برم، یکمرتبه صدای فریاد یک دختری از جلوی صف آمد که داد میزد: "کجا میروید؟ چرا حمله نمیکنید؟ این بی شرفها تا دیدند ما تعدادمان از آنها بیشتر است از ما ترسیدند و کتک زدن ما را متوقف کردند. تا یک دقیقه پیش دیدید چطور ما را می زدند؟ شما چرا ایستادید؟ حالا که تعدادمان بیشتر شده باید بهشون حمله کنیم. پدرشونو دربیاریم. خلع سلاحشون کنیم. یالا حمله کنید...".

این دختر می دوید طرف پاسدارها و بهشان سنگ پرتاب میکرد و برمیگشت به ماها میگفت: "بیائید... یالا بیائید..."

همه، یا از این دختر خجالت کشیدیم، یا فکر کردیم و دیدیم راست میگه چرا فرصت را از دست بدیم و بگذاریم پاسدارها دربروند. همه دوباره سنگها را برداشتیم و دویدیم طرف پاسدارها. نمیدانی چطور فرار میکردند. انگار بال درآورده بودند. معلوم بود که حسابی از جانشان ترسیده اند. صحنه بی نظیری بود. باورم نمیشد. شده بود مثل یک فیلم. خودشان را رساندند به ماشینهایشان و در رفتند. اما چند نفر از آن ها (قبل از اینکه بتوانند به ماشینهایشان برسند و از دستمان فرار کنند) حسابی از ما کتک خوردند. یکیشان را دیدم که به زور خودش را از زیر دست و پای آن دختر و چند تا پسر درآورد و فرار کرد. دختره به او لگد میزد و بهش میگفت "بگو غلط کردم". پاسداره میگفت "غلط کردم". دختره باز هم لگد بهش میزد و میگفت "باز هم بگو".

این یک نمونه از درگیری جوانان مبارز ایران با نیروهای امنیتی- نظامی رژیم و یک نمونه از برخوردهای مبارزه جوانان زبانی است که در طول همه دوران حاکمیت جمهوری اسلامی تحت شدیدترین سرکوب ها و مظالم اجتماعی قرار داشته و دارند.

از این نمونه مبارزات که از یک طرف بیانگر شناخت درست جوانان مبارز ما از ماهیت کثیف و جنایتکار نیروهای مزدور رژیم و از طرف دیگر نشانگر شجاعت زنان ایران است در جریان همین جنبش و در طول تاریخ مبارزاتی مردم ما بسیار بوده اند. حقیقتا منبع این همه شجاعت و قهرمانی در زنان جامعه ما چیست؟ این شجاعت و بی باکی دختران حقیقتا ریشه در چه چیزی دارد؟ چه عاملی باعث شده که آنها این چنین نترس به قلب دشمن حمله ور شوند؟

با نگاهی به واقعیت های سی ساله اخیر و ستم ها و مظالم و سرکوب هائی که زنان زیر سلطه رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی تحمل کرده اند، براحتی می توان پاسخ سوال فوق را یافت. انسان برای

این که بتواند چنین بی باکانه با دشمنان قدرتمندش برخورد کند باید وجودش از کینه و خشمی سترگ و عظیم آکنده باشد. کینه ای عمیق از دشمنی که نسلی را در زندانها به خاک و خون کشید و نسل دیگری را در بیرون از زندان در خفقان و وحشت به زنجیر کشید. مردمی که امروز اینطور قهرمانانه در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قد برافراشته اند، کسانی هستند که بجز ظلم و ستم و تحقیر و تبعیض چیز دیگری را تجربه نکرده و در جلوی چشمانش به دار آویخته شدن انسانها را مشاهده کرده اند. دخالت در خصوصی ترین امور مانند تحمیل حجاب و اعمال مظالم گوناگون از جمله سنگساراز طرف این رژیم ارتجاعی و هزاران هزار ظلم دیگری که مردم ما زیر سلطه جمهوری اسلامی تحمل می کنند، در دل تک تک مردم ما کینه و نفرت به عاملین این ستم ها را بوجود آورده است. بنابراین مردم ما و زنان مبارز ایران نمی توانستند اینهمه انرژی مبارزاتی داشته باشند اگر خشم و کینه و نفرتی فراوان که حاصل سی سال ظلم و ستم و سرکوب است در آنها متمرکز نشده بود.

ما در گذشته نیز با موارد زیادی از چنین برخوردهای مبارزاتی قابل تحسین در بین زنان و به خصوص دختران جوان جامعه خود روبرو بوده ایم. هیچ جایی نیست که مبارزه ای جریان داشته باشد ولی زنان دوشادوش مردان در آن شرکت نکنند. در طول تاریخ ما شاهد نقش فعال زنان در حرکتها و اعتراضات آنان علیه ظلم و ستم بوده ایم. در این زمینه نمونه های فراوانی را می توان مثال آورد، شرکت فعال زنان در انقلاب مشروطه و انقلاب ۵۷ و بعد مبارزات گسست ناپذیر زنان با جمهوری اسلامی که تا به امروز ادامه دارد. حماسه آفرینی های آنان در زندانهای رژیم پهلوی و زندانهای جمهوری اسلامی، مبارزه زنان زحمتکش در اسلام شهر، تظاهرات کارگران و خانواده هایشان در خاتون آباد. مبارزات پرشور دانشجویان زن و مرد در شیراز، زنانی که علیرغم همه شرایط پلیسی خواستار برابری زن و مرد در جامعه شده و یا بر علیه حجاب اجباری شعار می دادند و هزاران نمونه دیگر. در واقع همین نوع مبارزات بی باکانه ای که زنان در هر گوشه از جامعه و در زمان های مختلف انجام داده اند، امروز همه در یک جا در تظاهرات عمومی توده های تحت ستم ایران خود را آشکار ساخت.

فقر، تبعیض و ظلم بی اندازه، طبیعتاً دل انسان های آزاده و آگاه را به درد آورده و علیه ظلم می شوراند. حرکت های اخیر بر خلاف تبلیغات ارتجاعی و القانات رسانه های امپریالیستی برای اعتراض به رأی و انتخابات نیست بلکه بر علیه کل رژیم بوده و شرکت وسیع زنان در آن نشان دهنده درجه رشد آگاهی آنان بوده است. به گواه تاریخ هیچ انقلابی بدون شرکت وسیع زنان به پیروزی نمی رسد. حضور گسترده زنان در اعتراضات اخیر همچنین نویدی برای پیروزی مبارزه در آینده است.

تاریخ همواره نشان داده که هیچ مبارزه ای به پیروزی نمی رسد مگر با حضور فعال تمامی افشار تحت ستم جامعه. شرط پیروزی این مبارزات با شرکت فعال زنان در مبارزه و اتحاد آنان با مردان، به خصوص زنان کارگر با مردان کارگر است. تنها یک مبارزه متحد است که راه را برای نابودی سیستم سرمایه داری در ایران هموار کرده و موجب دستیابی زنان به خواسته های بر حق اشان و برابری واقعی بین زن و مرد خواهد شد.

اتحاد زنان آزادیخواه

۱۷ اکتبر ۲۰۰۹

[etehadezan@yahoo.com](mailto:etehadezan@yahoo.com)